

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال چهاردهم، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۱
صفحات: ۳۳-۵۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵
مقاله: پژوهشی

تأثیر روابط فرآتلانتیکی (آمریکا و اروپا) بر مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۴ در دوره ریاست جمهوری «جو بایدن»

مه‌دی میری* / فاضل فیضی**

چکیده

مسأله هسته‌ای ایران طی دو دهه اخیر به یکی از بزرگترین چالش‌ها برای ایران و قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. در این میان، مذاکرات هسته‌ای که همواره به عنوان ابزاری دیپلماتیک به طرق مختلف در جریان بوده است، در دوره «دونالد ترامپ» متوقف شده بود. با به قدرت رسیدن «جو بایدن»، مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۱+۴ دوباره جریان پیدا کرد. اگرچه بر مذاکرات هسته‌ای ایران متغیرهای مختلفی تأثیرگذار می‌باشد، اما در این پژوهش تأثیر روابط فرآتلانتیکی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، سوال اصلی این است که روابط فرآتلانتیکی چه تأثیری بر مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۱+۴ در دوره «جو بایدن» داشته است؟ برای پاسخ به این سوال با بهره‌گیری از روش ترکیبی و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، با استفاده از چارچوب نظری سازه‌نگاری این نتیجه حاصل شد که زمانی که روابط فرآتلانتیک مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و همسو باشد، مذاکرات هسته‌ای میزان زیادی به احیای برجام منتهی خواهد شد. **کلیدواژه‌ها:** فرآتلانتیک؛ سازه‌نگاری؛ ناتو؛ مذاکرات هسته‌ای؛ گروه ۱+۴.

* کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Mehdimiri1374@gmail.com

** استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران (نویسنده مسئول).

Fazel.feizi@iau.ac.ir

۱. بیان مسأله

وقتی مسأله هسته‌ای ایران پس از سال ۲۰۰۲ به یکی از دغدغه‌های مهم قدرت‌های جهانی، بویژه کشورهای غربی تبدیل شده است. در طی دو دهه گذشته، اگرچه ایران بارها اعلام کرد که بمب اتم حرام بوده و ایران هیچ قصدی برای دستیابی به آن ندارد (https://farsi.khamenei.ir, 2021)، با این وجود، اتحادیه اروپا و آمریکا راهبردهای مختلفی از جمله تحریم و مذاکرات و حتی تهدید به جنگ را با استدلال جلوگیری از دسترسی ایران به بمب اتم در پیش گرفتند.

با فرازونشیب‌های که در طی این سال‌ها وجود داشته است، روابط فرآتلانتیکی در قبال برخورد با مسأله هسته‌ای ایران از توافق کامل تا اختلاف کامل در ابزارهای کنترل ایران در نوسان بوده است. در این میان، در سال ۲۰۱۵ برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام در دوره ریاست جمهوری باراک اوبامای دموکرات به ثمر رسید. اگرچه مکانیسم چندجانبه همکاری و هماهنگی در روابط فرآتلانتیکی در این دوره مشهود بود و حتی روسیه و چین نیز برجام را دستاوردی بزرگ قلمداد کردند (https://obamawhitehouse.archives.gov, 2018)، اما با به قدرت رسیدن ترامپ، وی با بد خواندن توافق برجام و این که برجام نظام ایران را تقویت کرد و به آن اجازه داد تا راهبرد توسعه‌طلبانه منطقه‌ای خود را دنبال نماید، از آن خارج شد و تحریم‌های مرتبط را دوباره بازگرداند. ترامپ معتقد بود که برجام در بهترین حالت توانایی ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای را به تأخیر انداخته است، در حالی که به آن اجازه تحقیق و توسعه هسته‌ای را داده بود (https://trumpwhitehouse.archives.gov, 2018).

با خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های یکجانبه، اتحادیه اروپا، روسیه و چین به دلیل منافع اقتصادی و ژئوپلتیکی خود بارها مخالفت خود را با این وضعیت ابراز کردند. اما در عمل مجبور بودند از تحریم‌ها پیروی کنند و در صورت عدم رعایت تحریم‌ها و همکاری اقتصادی با ایران نیز از سوی آمریکا تحریم می‌شدند. در این زمینه آمریکا حتی شرکت «هوآوی» چین را به دلیل عدم شفاف‌سازی در ارتباط ایران تحریم کرد (https://www.globaltimes.cn, 2021). در دوره ترامپ که سیاست «اول آمریکا» را در پیش گرفته بود، باعث تضعیف نهادها و روابط فرآتلانتیکی شد. بحث در تعرفه‌ها، هزینه‌های ناتو و اختلاف در مورد ایران از مهم‌ترین موارد این سیاست ترامپ بود. حال، با به قدرت رسیدن بایدن، این سوال مطرح می‌شود که نوع روابط فرآتلانتیکی - در دوره ترامپ به شدت تضعیف شده بود - چه تأثیری بر مذاکرات هسته‌ای

ایران با گروه ۱+۴ داشته است؟ برای پاسخ به این سوال با استفاده از روش ترکیبی و گردآوری اطلاعات و داده‌ها به صورت اسنادی و رجوع به بانک‌های اطلاعاتی، پس از پرداختن به پیشینه و چارچوب نظری پژوهش، تحولات روابط فراآتلانتیکی در دوره بایدن و ترامپ مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس تاریخچه روابط فراآتلانتیکی و نقش روسیه و چین در ارتباط با مذاکرات هسته‌ای ایران در دوران قبل از بایدن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت، تاثیر روابط فراآتلانتیکی در دوره بایدن بر مذاکرات هسته‌ای تبیین می‌شود.

فرضیه پژوهش نیز بدین صورت می‌باشد: «اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی توسط دولت «جو بایدن» برخلاف دوره ترامپ، باعث کاهش اختلافات در حوزه‌های اقتصادی (تعرفه‌ها و...) و سیاسی - امنیتی (هزینه‌های ناتو و...) بین روابط فراآتلانتیکی شده است که این موضوع میزان احیای توافق هسته‌ای (برجام) را افزایش می‌دهد».

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقی که به صورت مستقیم تاثیر روابط فرا آتلانتیکی را بر مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۴ + ۱ در دوران بایدن مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. اگرچه پژوهش‌های لاهمان^۱ (۲۰۱۶) و پائولین ماترا^۲ و رافائل ماترا^۳ (۲۰۱۹) تأثیر روابط فراآتلانتیکی را بر نتیجه بخش بودن تحریم‌ها علیه ایران مورد بررسی قرار داده‌اند و نه مذاکرات هسته‌ای، با این حال، برخی تحقیقات به‌ویژه در خارج از کشور در این زمینه صورت پذیرفته است که از بعضی جهات با پژوهش حاضر مشترک دارند. به پژوهش‌های مذکور در قالب سه دسته از حیث زمانی به شرح زیر پرداخته می‌شود.

۲-۱. روابط فراآتلانتیکی و مذاکرات هسته‌ای ایران قبل از برجام: در این دسته، تحقیقاتی مانند اینهورن^۴ (۲۰۰۴)، پرکویچ^۵ (۲۰۰۵)، هارنیش^۶ (۲۰۰۷)، آلکارو^۷ (۲۰۱۱) و

1. Lohmann
2. Paulina Matera
3. Rafał
4. Einhorn
5. Perkovich
6. Harnisch
7. Alcaro

اراستو^۱ (۲۰۱۱) سعی کرده‌اند تأثیر روابط فرآتلانتیکی را بر معادله هسته‌ای ایران به صورت عام و مذاکرات هسته‌ای ایران به صورت خاص مورد بررسی قرار دهند (نقطه اشتراک)، اما زمان تحقیق آن‌ها در دوران قبل از بایدن بوده است که مهم‌ترین نقطه افتراق آن‌ها با پژوهش حاضر است. همچنین روش پژوهش آن‌ها کیفی بوده است، در حالی که پژوهش حاضر از روش ترکیبی بهره می‌برد. به این موارد از تفاوت‌ها بایستی چارچوب نظری را افزود. در ادامه به مهم‌ترین تحقیق در این دسته پرداخته می‌شود.

سوال اصلی صباغیان و احمدبیگی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «روابط فرآتلانتیکی در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱»، این بوده است که «روابط فرآتلانتیکی، چرا و چگونه بر نقش اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ تأثیر گذاشت؟» نویسندگان با استفاده از چارچوب نظری نئورئالیسم به این نتیجه رسیده‌اند که اشتراکات تمدنی دو سوی آتلانتیک، به همراه برتری وزن راهبردی ایالات متحده نسبت به اتحادیه اروپا از ابتدای فرایند شکل‌گیری همگرایی اروپایی و نیز روندهای جهانی قرن ۲۱ که منجر به بعضی تغییرات در راهبردهای بین‌المللی و منطقه‌ای آمریکا، از جمله چرخش ایالات متحده به سوی آسیا شده است؛ اتحادیه اروپا را به سمت اتخاذ رویکردی مرکب از «موازنه‌گری» و «دنباله‌روی» در قبال ایالات متحده پیش برده است. این رویکرد ترکیبی در مذاکرات هسته‌ای منجر به برجام، در قالب ایفای نقش اتحادیه اروپا براساس دو کارویژه ایجاد «تسهیل» و «توازن» متبلور شد.

۲-۲. روابط فرآتلانتیکی و مذاکرات هسته‌ای ایران بعد از برجام: این دسته از تحقیقات، تأثیر روابط فرآتلانتیکی را بر مذاکرات هسته‌ای ایران در دوران بعد از برجام و به‌ویژه پس از خروج ترامپ از برجام مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا، رستمی، احمدیان و کریمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر مناسبات راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا در پرتو توافق هسته‌ای ایران (سناریوهای پیش‌رو)»، این پرسش را مطرح کرده‌اند که «چه سناریویی در مواجهه با خروج ترامپ از برجام می‌تواند در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گیرد؟». نویسندگان با بهره‌گیری از سناریونویسی در قالب نظریه بازی‌ها، ضمن بررسی دیدگاه اروپایی و دیدگاه آمریکایی مقابل آن، چهار سناریو را مدنظر قرار داده‌اند که عبارتند از: سناریوی اول؛ دور شدن اتحادیه اروپا و ایالات متحده و واگرایی در روابط فرآتلانتیک، سناریوی دوم؛ هم‌نوایی و هم‌سویی با ایالات متحده، سناریوی سوم؛ متقاعد کردن ترامپ به حفظ برجام ضمن تعهد به

هم‌گرایی در روابط فرآتلانتیک و سناریوی چهارم؛ سیاست کج‌دار و مریز اروپا و آمریکا در دوره ترامپ.

کرونبرگ^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «نه اتحادیه اروپا، نه توافقی با ایران: انتخاب اتحادیه اروپا بین چندجانبه‌گرایی و پیوند فرآتلانتیک»، معتقد است که توافق ایران یک داستان موفقیت اروپایی از «چندجانبه‌گرایی مؤثر» است. در طی یک دهه، اتحادیه اروپا مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران را به گونه‌ای تنظیم کرد که دو طرف متخاصم - ایالات متحده آمریکا و ایران - را قادر ساخت تا در گفت‌وگوهایی که منجر به تفاهم موفقیت‌آمیز می‌شود، ملاقات کنند. دو سال پس از اجرای آن، سیاست دولت دونالد ترامپ در قبال ایران همچنان نامشخص است. این مقاله تاریخچه مذاکرات را از دریچه انتخاب راهبردی که اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امنیتی خود با آن مواجه است، دوباره بررسی می‌کند: انتخاب بین چندجانبه‌گرایی مؤثر و روابط فرآتلانتیک.

شفر^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «همگرایی، واگرایی و بی‌هدفی فرآتلانتیک: تحلیل گفتمانی برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران و اثرات آن بر روابط فرآتلانتیک»، نگاهی اجمالی به چگونگی توسعه روابط فرآتلانتیک بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا در طول سه دوره ریاست جمهوری گذشته، از جمله دولت ترامپ، ارائه می‌دهد. برای انجام این کار، این مقاله چارچوبی در مورد همگرایی، واگرایی و بی‌هدفی فرآتلانتیکی ایجاد کرده است که از آن برای تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌ها در گفتمان‌های طرف‌های مختلف در مورد برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران استفاده می‌کند. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که در هر سه دولت ایالات متحده تفاوت‌هایی در همگرایی بین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا وجود داشته است، اما همگرایی با دولت بوش و اوباما بسیار بیشتر از دولت ترامپ بوده است. علاوه بر این، نویسنده استدلال می‌کند که دولت ترامپ از برخی جهات نشان‌دهنده یک «انحراف فرآتلانتیک» است، زیرا طرف‌ها دیدگاه‌های متضادی درباره توافق ایران (برجام) دارند و ارزش‌های امنیتی بنیادی بسیار متفاوتی را ارجحیت می‌دهند.

1. Cronberg
2. Schiffer

اسوامنتال^۱(۲۰۱۸)، بروستلین^۲ و دیگران(۲۰۱۸) و هارنیش^۳(۲۰۱۹) در پژوهش‌های خود خروج ترامپ از برجام و سیاست‌هایی که اتحادیه اروپا باید در پیش گیرد را مورد بحث قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها به دنبال ارائه راهکار برای اتحادیه اروپا برای مقابله با جاه‌طلبی هسته‌ای ایران از یکسو و تنظیم روابط آن با آمریکا از سوی دیگر تمرکز کرده‌اند. به طور کلی، تمامی تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته، اگرچه در بررسی تاثیر روابط فرآتلانتیک بر مذاکرات هسته‌ای ایران تاکید کرده‌اند که نقطه اشتراک آن‌ها یا پژوهش حاضر است، اما تاثیر این روابط را در دوران بایدن مورد توجه قرار نداده‌اند. همچنین اکثر این پژوهش‌ها از روش کیفی بهره برده‌اند، در حالی که این پژوهش از روش ترکیبی استفاده می‌کند.

۳. چارچوب نظری: سازه‌نگاری

اگر چه ارائه تعریف واحد از سازه‌نگاری آسان نیست، زیرا این نظریه تلاش دارد بین نظریات مدرن و فرانظریه در روابط بین‌الملل نوعی پیوند ایجاد نماید. با این حال، برخی از ایده‌های کلیدی در قلب سازه‌نگاری وجود دارد. نخست این که انسان‌ها در عین این که به وضوح تحت تاثیر محیط (ساختار) هستند، اسیر آن نیستند. بر محدودیت‌های فیزیکی و اجتماعی می‌توان با نبوغ (تلاش، پشتکار) انسانی غلبه کرد. این ویژگی‌ها را می‌توان تحت عنوان عاملیت قرار داد، که سازه‌نگاری را از جبر ساختاری مارکسیسم و رئالیسم جدا می‌کند و انسان‌ها را به بازیگران کلیدی تبدیل می‌کند. به‌طور قطع ساختار محدود می‌کند، اما کاملاً در غل و زنجیر نیست. محوریت عاملیت و ساختار در اندیشه سازه‌نگاری در کتاب الکساندر ونت به عنوان آنارشی چیزی است که دولت‌ها از آن می‌سازند، طرح شده است. بنابراین سازه‌نگاری ممکن است با واقع‌گرایان در مورد ساختار (آنارشیک) نظام بین‌الملل موافق باشند، اما آن را به بازیگران (نخبگان دولتی) واگذار می‌کنند تا آنچه را که می‌خواهند از آن ساختار بسازند. به طور ضمنی، سازه‌نگاران مایلند در پاسخ به شرایط آنارشیک، گزینه‌های مختلفی را از جمله رفتار خودخواهانه دولت‌ها و همچنین مشارکت بیشتر آن‌ها در نظر بگیرند. نکته این است که

1. Schwammenthal
2. Brustlein
3. Harnisch

انسان‌ها بدون توجه به محدودیت‌های ساختاری، انتخاب‌هایی دارند (Gros & Fung, 2019: 42).

نظریه «ونت» بر سه پایه استوار است: پوزیتیویسم، ایده‌آلیسم و کل‌گرایی. این سه عنصر اصلی، همراه با این ایده که در نظام بین‌الملل نه تنها نقش‌ها، هویت‌ها و ساختارها از پیش تعیین شده نیستند، بلکه در نتیجه تعاملات بین دولت‌ها ظاهر می‌شوند و به طور مستمر توسط آن تعاملات شکل می‌گیرند، به عنوان ایده اصلی سازه‌انگاری اجتماعی شناخته می‌شود (Badea, 2021: 377).

وقتی سازه‌انگاری را به عنوان یک نظریه روابط بین‌الملل در نظر می‌گیریم، باید درک کرد که سازه‌انگاری، سیاست بین‌الملل را به عنوان پدیده «ساخته شده اجتماعی» توصیف می‌کند. سازه‌انگاری ریشه‌های خود را از نظریه‌های اجتماعی متعدد می‌گیرد که شامل نظریه انتقادی، پست مدرنیسم، نظریه فمینیستی، نهادگرایی تاریخی، نهادگرایی جامعه‌شناختی، کنش متقابل نمادین و نظریه ساختاری می‌شود. ونت معتقد است که دو رکن اصلی سازه‌انگاری عبارتند از: «۱) که ساختارهای انجمن انسانی اساساً توسط ایده‌های مشترک تعیین می‌شوند تا نیروهای مادی و ۲) هویت و علایق بازیگران هدفمند توسط این ایده‌های مشترک ساخته می‌شوند نه این که طبیعتاً داده شده باشد.

با توجه به این که ایده‌های مشترک انگیزه هدایت‌کننده مفهوم سازه‌انگاری ونت هستند، می‌توان مشاهده کرد که ایده‌ها همان منافع را تشکیل می‌دهند که دولت‌ها برای آن در جهان رقابت می‌کنند. ونت معتقد است که «ایده‌ها در وهله اول قدرت و علاقه را تشکیل می‌دهند» (Wendt, 1999: 94). گره انتقادی اینجاست که ایده‌ها توسط بازیگران متعددی به اشتراک گذاشته می‌شود. هر دولت یا بازیگری ایده‌ها را متفاوت تفسیر می‌کند. بنابراین، ایده‌ای که توسط یک دولت به عنوان تهدید یا منافع برای خود تلقی می‌شود، ممکن است به عنوان تهدید یا منافع برای دیگری تلقی نشود.

در سازه‌انگاری منافع به وسیله روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با یکدیگر بر اساس معنایی می‌باشد که برای همدیگر قائل هستند؛ به همین جهت، هویت مسأله‌ای رابطه‌ای است که به معنی درک از خود و انتظارات از دیگران است. کنش در مقایسه با سارین بر اساس معنایی است که برای آن کارگزار وجود دارد. علاوه بر این، اولویت‌های بین‌المللی کارگزاران در

نتیجه جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل به دست می‌آید. از سوی دیگر، نوع نگاه و برداشت سازه‌انگاران به قواعد و هنجارها نیز مهم است. سازه‌انگاران در زمینه تأکید بر هنجارها با لیبرال‌ها اشتراک دارند؛ اما تفاوت محسوسی که وجود دارد این است که لیبرال‌ها صرفاً بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند؛ در حالی که سازه‌انگاران علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آن‌ها هم توجه می‌کنند (باقری دولت‌آبادی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳).

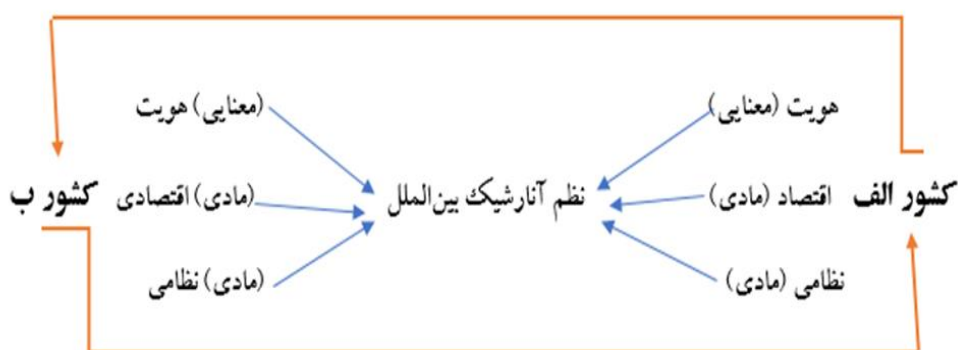
به طور کلی، سازه‌انگاران تعریف جدیدی از قدرت و روابط قدرت ارائه می‌دهند. در این تعریف «یک دولت قدرتمند لزوماً نباید صاحب قدرت نظامی و اقتصادی باشد. بلکه دولت قدرتمند باید توانایی ایجاد آن چنان فضای هنجاری را داشته باشد که بتواند به راحتی به ایجاد و خلق رفتارهای مورد نظرش بپردازد (Checkel, 1997: 472).

سازه‌انگاران معتقدند که بازیگران بر حسب معانی ذهنی، زبان و باورهای خود که برآمده از تلقی‌های هویتی آنهاست دست به کنش متقابل می‌زنند و مطابق با آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این مسأله در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور این است که یک دولت بر اساس نوع تعریف از هویت خود جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند و در این کنش واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و خود نیز ساخته می‌شود. تحلیل سازه‌انگاران متوجه نقش تاریخ در شکل دادن به سیاست خارجی نیز هست در این راستا سازه‌انگاری معتقد است، هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولتمردان با روایت تاریخ، به شیوه‌ای خاص و ویژه آن را پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (امیدی، ۱۳۹۰: ۲۳۶-۲۳۵).

بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران از دیگر مباحث مهم و مرتبط با مسأله هویت، سیال و قابل تغییر بودن هویت‌ها است. هویت می‌تواند تحت شرایط مادی سیال باشد و رسالت مهم سازه‌انگاران این است که می‌توانند این تغییر و سیاست را توضیح دهند؛ زیرا به نظر آن‌ها، هویت امری اجتماعی است؛ به این معنی که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود؛ بنابراین هویت سیال است. برای همین است که در نگاه آن‌ها برداشت کنشگران از خود، منافع و اهداف‌شان تغییرپذیر است و به تبع شکل‌گیری هویتی جدید، منافع جدید هم برای دولت مطرح می‌شود؛ بنابراین این هویت‌های متفاوت و متحول هستند که به منافع و رفتارهای کنشگران شکل می‌دهند. در این راستا، هویت و منافع به اموری از پیش داده شده و برآمده از ساختار توزیع

تأثیر روابط فراآتلانتیکی (آمریکا و اروپا) بر مذاکرات هسته‌ای ایران...

قدرت، بلکه ناشی از منابع داخلی هویت بازیگران است (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۵). با توجه به مباحث فوق، می‌توان چارچوب نظری پژوهش را به شکل زیر نشان داد:



منبع: یافته‌های تحقیق

۴. تحولات روابط فراآتلانتیکی در دوره «جو بایدن» و «دونالد ترامپ»

در این بخش روابط فراآتلانتیکی در دوره «جو بایدن» و «دونالد ترامپ» و تغییر و تحولات آن در ابعاد هویتی، اقتصادی و تجاری و سیاسی - امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. هویت دموکراتیک و چندجانبه‌گرایی: عقب‌نشینی ترامپ از توافق آب و هوایی پاریس، معاهده نیروهای هسته‌ای میان برد^۱، توافق آسمان‌های باز^۲ و سازمان بهداشت جهانی و همچنین حملات او علیه مرجع استیناف سازمان تجارت جهانی، باور بسیاری از اروپایی‌ها مبنی بر همسویی و اشتراک منافع (اولویت چندجانبه‌گرایی بر یکجانبه‌گرایی) آن‌ها را متزلزل کرده است. به عبارت دیگر، ترامپ به اولویت‌های اروپایی - مهم‌ترین متحد خود - یعنی از تغییرات آب و هوایی و تلاش برای بهبود سلامت جهانی گرفته تا حقوق بشر و کمک به توسعه، بی‌اعتنا بوده است. با پیروزی بایدن، حداقل یک پنجره چهار ساله برای احیای «اتحاد دموکراسی‌ها»، رویارویی با قدرت‌های اقتدارگرا و اقتصادهای بسته شکل گرفت که از فضای بازی که جوامع

1. The Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty
2. The Open Skies Agreement

آمریکایی و اروپایی بر اساس آن ساخته شده‌اند، استفاده می‌کنند و چندجانبه‌گرایی را که تقریباً اصلی‌ترین هویت روابط فرآتلانتیکی پس از جنگ جهانی دوم بوده است، تقویت می‌کند (Blockmans, 2021: 5-6).

یکجانبه‌گرایی ترامپ به روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده آسیب رسانده بود. او اتحادیه اروپا را دشمن و بدتر از چین، فقط کوچکتر خوانده است. او «برگزیت» را جشن گرفت و سایر کشورهای عضو را تشویق کرد که از اتحادیه خارج شوند. او رهبرانی مانند «آنگلا مرکل»^۱ را به انزوا سوق داد و مستبدانی مانند «ویکتور اوربان»^۲ را پذیرفت. این دومی به نهادهای اتحادیه اروپا در جستجوی سازوکارهای فراملی برای اجرای انطباق با شرایط حاکمیت قانون برای عضویت کمکی نکرده است (Blockmans, 2021: 5). به طور کلی، چندجانبه‌گرایی که هویت اصلی روابط فرآتلانتیکی پس از جنگ جهانی دوم بود، با سیاست‌های ترامپ تضعیف شد، ولی با به قدرت رسیدن بایدن، چندجانبه‌گرایی و احیای اتحاد فرآتلانتیکی در اولویت قرار گرفت. چندجانبه‌گرایی در درون خود شاخصه‌هایی مانند دموکراسی، لیبرالیسم، اهمیت نهادهای بین‌المللی و... را جای داده است.

۴-۲. روابط اقتصادی و تجاری: در این بخش، دو مؤلفه تعرفه‌ها و حجم تجاری در روابط فرآتلانتیکی و تغییر و تحولات آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. معضل تعرفه‌ها در روابط فرآتلانتیکی: ترامپ در ژوئن ۲۰۱۸ بر اساس بخش ۲۳۲ قانون توسعه تجارت، تعرفه ۲۵ درصدی بر فولاد و ۱۰ درصدی تعرفه بر آلومینیوم از اتحادیه اروپا، مکزیک و کانادا را به دلایل امنیت ملی وضع کرد. در اقدامی تلافی‌جویانه، اتحادیه اروپا عوارضی به ارزش ۷,۵ میلیارد دلار بر محصولات ایالات متحده از جمله موتورسیکلت و محصولات کشاورزی وضع کرد (https://www.forbes.com, 2021). همچنین، آمریکا تعرفه‌های بی‌سابقه ۷,۵ میلیارد دلاری بر کالاهای اروپایی (پنیر، شراب، زیتون و...) وضع کرد. علت وضع این تعرفه، یارانه‌های اتحادیه اروپا به شرکت ایرباس بود. زیرا یارانه‌های مذکور

1. Angela Merkel
2. Viktor Orbán

باعث شده بود تا شرکت بوئینگ آمریکایی قادر به رقابت با ایرباس نباشد (https://www.dw.com, 2019).

برخلاف روند فوق، در دوره بایدن، سیاست‌های ترامپ تقریباً کنار گذاشته شد. به طوری که توافقی در اکتبر ۲۰۲۱ بین اتحادیه اروپا و آمریکا منعقد شد. این توافق که در زمینه رفع موانع بر سر تجارت فولاد و آلومینیوم بود، به طور گسترده مورد استقبال قرار گرفت. زیرا به هر دو طرف اقیانوس اطلس کمک کرد پس از یک رویارویی طولانی و تلخ، روابط را تغییر دهند. اهمیت این توافق به حدی بود که شخص بایدن و رئیس کمیسیون اروپا «اورزولا فون درلاین»^۱ آن را اعلام کردند (https://www.piie.com, 2021).

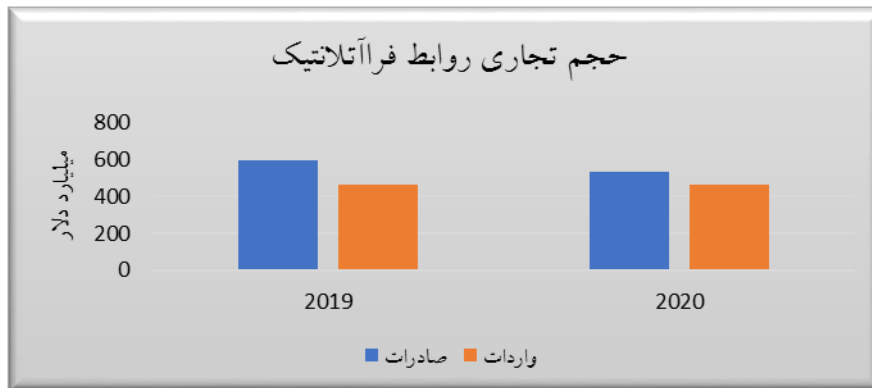
۲-۲-۴. حجم تجارت و سرمایه‌گذاری: همان‌طور که در نمودار شماره ۱ قابل مشاهده است، روابط تجاری اتحادیه اروپا و آمریکا علی‌رغم چالش‌های اقتصادی مربوط به همه‌گیری کووید-۱۹ همچنان قوی است. در سال ۲۰۲۰، شرکت‌های اتحادیه اروپا کالاهایی به ارزش ۵۳۶ میلیارد دلار صادر کردند که تقریباً ۶۴ میلیارد دلار بیشتر از سال ۲۰۱۸ بود. بیش از ۱۶۴۰۰۰ شرکت اتحادیه اروپا به آمریکا صادرات داشته‌اند که تقریباً ۹۳۰۰۰ آن‌ها شرکت‌های متوسط و کوچک بوده‌اند.

در ارتباط با سرمایه‌گذاری متقابل می‌توان گفت که کل سرمایه‌گذاری آمریکا در اتحادیه اروپا سه برابر بیشتر از کل آسیا است. در مقابل، سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در آمریکا حدود هشت برابر میزان سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در هند و چین بوده است. تا به امروز، سرمایه‌گذاری‌های اتحادیه اروپا و آمریکا محرک واقعی روابط ترانس آتلانتیک بوده است که به رشد و ایجاد مشاغل در دو سوی اقیانوس اطلس کمک کرده است.

حجم روابط تجاری فرآتلاتتیکی به گونه‌ای بوده است که شکل کل اقتصاد جهانی را مشخص می‌کند. برای اکثر کشورها، اتحادیه اروپا یا آمریکا بزرگترین شریک تجاری و سرمایه‌گذاری هستند. اقتصادهای اتحادیه اروپا و آمریکا با هم حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی جهان و

1. Ursula Von Der Leyen

تقریباً یک سوم جریان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند (European Commission, 2022)
 (a).



Source: (European Commission, 2022 a)

علاوه بر این، همان‌طور که شکل شماره ۲ نشان داده شده است، در سال ۲۰۲۰ شریک تجاری پیشرو اتحادیه اروپا در حوزه خدمات، آمریکا بوده است. به طوری که آمریکا مقصد یک پنجم (۲۰ درصد) خدمات صادر شده از کشورهای عضو اتحادیه اروپا بوده است. همچنین، آمریکا مبدأ حدود یک سوم یا تقریباً ۳۰ درصد خدمات وارداتی اتحادیه اروپا از کشورهای غیرعضو بوده است (European Commission, 2022 b).



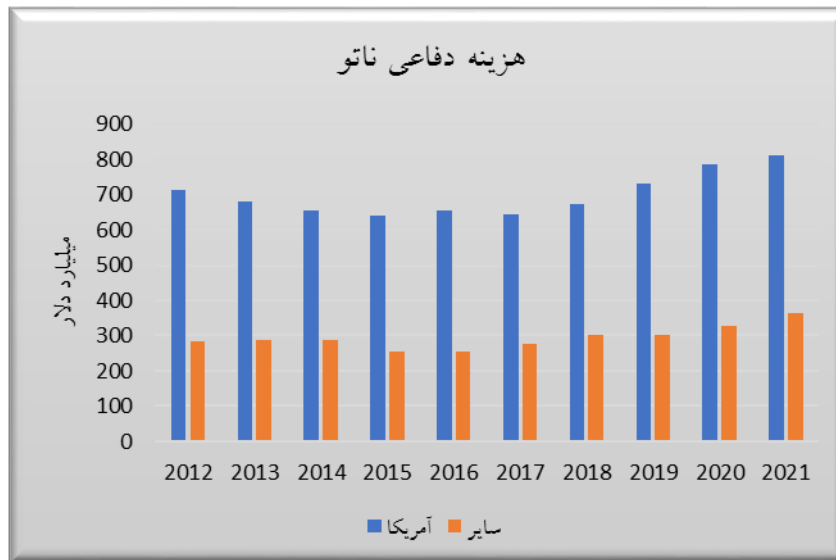
Source: (European Commission, 2022 b)

با وجود حجم تجاری و سرمایه‌گذاری بسیار زیاد در روابط فراآتلانتیک، در دوره بایدن و در ژوئن ۲۰۲۱، شرکا یک «شورای تجارت و فناوری»^۱ دوجانبه را برای ارتقای رونق و رقابت بین آمریکا و اتحادیه اروپا راه اندازی کردند. در جلسه افتتاحیه وزیران این شورا در سپتامبر ۲۰۲۱، آن‌ها ۱۰ گروه کاری برای هماهنگی و همکاری بیشتر، بهترین شیوه‌ها، مشاوره‌های فنی، تبادل اطلاعات و اطلاع‌رسانی ایجاد کردند. شورای تجارت و فناوری ممکن است انجمنی برای بحث و گفتگو نه تنها در مورد مسائل تجاری دوجانبه، بلکه چالش‌های تجاری جهانی مورد نگرانی مشترک، از جمله مواردی که توسط مدل دولتی چین و شیوه‌های تجاری ایجاد می‌شود، باشد (مقابله با اقتصاد دولتی چین). شرکا همچنین یک گفتگوی سیاست رقابت فناوری ایالات متحده و اتحادیه اروپا را راه اندازی کردند. سایر روش‌های تعامل تجاری، از جمله «گفتگوی قانونگذاران ترانس آتلانتیک»^۲، همچنان فعال هستند (Congressional Research Service, 2021: 2).

۳-۴. روابط ابعاد سیاسی - امنیتی: ناتو شاید مهم‌ترین مؤلفه مورد بحث در زمینه سیاسی - امنیتی در روابط فراآتلانتیک باشد. در این زمینه، ترامپ، بیش از هر یک از اسلاف خود، پایه‌های ناتو را متزلزل کرد. اظهارات ترامپ در مورد بار مالی ناعادلانه‌ای که آمریکا در قیاس با متحدان اروپایی خود متحمل می‌شود، اساساً در تاریخ نزدیک به هفت دهه ناتو چیز جدیدی نبود. با این حال، استدلال او مبنی بر «منسوخ» شدن ناتو به این دلیل که اقدامات کافی برای مبارزه با تروریسم انجام نمی‌دهد، با توجه به مشارکت پانزده ساله ناتو در افغانستان، باعث تعجب پایتخت‌های اروپایی شد. با این حال، نگرانی حتی بیشتر، آمادگی آشکار او برای مشروط کردن مقدس‌ترین مقدسات، یعنی تعهد آمریکا بر اساس ماده ۵ معاهده تأسیس ناتو برای دفاع از هر متحدی بود که مورد حمله قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، ترامپ عنوان کرد که عضوی از ناتو که دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به ناتو اختصاص دهد، در صورت حمله کشوری

1. Trade and Technology Council
2. Transatlantic Legislators Dialogue

به آن، نسبت به دفاع از آن اقدام نخواهد کرد (1: Pothier & Vershbow, 2017). در نمودار زیر، هزینه آمریکا و سایر کشورها برای ناتو نشان داده شده است.



Source: (knoema.com, 2022)

۵. تحولات روابط فراآتلانتیکی در قبال مسأله هسته‌ای ایران

از زمان طرح فعالیت‌های هسته‌ای ایران در مرداد ماه سال ۱۳۸۱، اتحادیه اروپا و آمریکا به طرق مختلف سعی در محدود کردن ایران داشتند. از آن زمان تا به امروز، روابط فراآتلانتیک در قبال شیوه‌های مقابله با ایران روش‌های مختلفی را انتخاب کرده‌اند. روابط فراآتلانتیک در طی این دوران را می‌توان به شش دسته تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از:

الف) تعهد متقاعد کننده^۱ (۲۰۰۳-۲۰۰۵): در دوران ریاست جمهوری جرج بوش که در پاسخ به حملات تروریستی به عراق حمله کرده بود، آمریکا به دنبال تغییر رژیم در ایران بود. زیرا آن‌ها معتقد بودند که ایران به هیچ‌وجه نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. زیرا ایران با

پنهان کردن فعالیت خود نشان داده است که به دنبال استفاده صلح‌آمیز از آن نمی‌باشد. به همین جهت، با دخالت اتحادیه اروپا، آمریکا پیش‌شرط مذاکرات را عدم غنی‌سازی ایران اعلام کردند که با موافقت اروپایی‌ها همراه شد. بر این اساس، مذاکرات به نتیجه رسید.

ب) مهار اجباری^۱ (۲۰۰۶-۲۰۱۰): در طی این دوران ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا هر دو موافق ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت بودند. هر دو در مورد نیاز به تحریم‌ها موافقت کردند و موفق به متقاعد کردن روسیه و چین نیز شدند. در این دوره سیاست هر دو ظاهراً همگام بود، اما اتحادیه اروپا تمایل به دست یافتن به یک توافق با ایران بود، در حالی که آمریکا سعی داشت تحریم‌های بیشتری علیه ایران اعمال کند.

پ) مسیر دوگانه^۲ (۲۰۱۰-۲۰۱۳): در این دوره، اتحادیه اروپا نسبت به ایالات متحده آمریکا در دوران اوباما، سیاست تندتری اتخاذ کرد. به عبارت دیگر، اوباما سعی داشت با تمرکز بر دیپلماسی این موضوع را حل کند، در حالی که تمرکز اتحادیه اروپا بر تحریم بود.^۳

ت) اراده سیاسی^۴ (۲۰۱۳-۲۰۱۵): در این دوره، مذاکرات به صورت غیرمستقیم از طریق عمان بین ایران و آمریکا اتفاق افتاد و پس از آن اتحادیه اروپا نقش تسهیل کننده را به عهده گرفت. بنابراین، در این دوره نیز اتحادیه اروپا تا حدودی در راستای سیاست‌های ایالات متحده آمریکا گام برداشته است (Cronberg, 2017: 251-253).

1. Coercive Containment

2. Dual track

۳. ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰، کنگره قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و واگذاری (Divestment) ایران را تصویب کرد. در این زمینه در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، اتحادیه اروپا با تحریم‌های بیشتر علیه ایران موافقت کرد. بیانیه صادر شده توسط وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا به تحریم‌های جدید به عنوان "بسته‌ای جامع و قوی از اقدامات در زمینه‌های تجارت، خدمات مالی، انرژی، حمل و نقل و همچنین تعیین‌های اضافی برای ممنوعیت ویزا و مسدود کردن دارایی‌ها اشاره می‌کند (<https://www.armscontrol.org>, 2022).

4. Political Will

ث) تنش‌زایی (۲۰۱۶-۲۰۲۰): خروج یکجانبه ترامپ از برجام، منجر به تنش‌های جدی بین روابط فرآتلانتیکی شد. علاوه بر این، مسائل دیگری نیز مانند تعرفه‌های تجاری و انتقادات ترامپ در مورد هزینه‌های دفاعی اتحادیه اروپا (ناتو)، بر شدت تنش‌ها افزود (Schwammenthal, 2018: 219).

ج. تنش‌زدایی (۲۰۲۱-): در این دوره که بایدن به قدرت رسید، با اتحادیه اروپا مسیر دیپلماسی و احیای برجام را در دستور کار قرار داده‌اند. به طوری که در ۳۱ اکتبر ۲۰۲۱ آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، بیان داشت که آمریکا با آلمان، فرانسه و بریتانیا در هماهنگی تلاش‌ها برای بازگرداندن برجام «کاملاً متعهد» است و تأکید کرد که هر چهار کشور «هنوز معتقدند دیپلماسی بهترین مسیر رو به جلو است» (https://www.politico.com, 2021).

آمریکا با اتخاذ سیاست چندجانبه‌گرایی اهداف مختلف مانند محدود کردن چین، مقابله با تغییرات آب‌وهوایی و... را دنبال می‌کند. در این زمینه، به همکاری اتحادیه اروپا به شدت احتیاج دارد. زیرا آمریکا به تنهایی قادر به مقابله با چین و حجم از مشکلات پیش روی نیست. عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای نیز یکی از این موارد است.

در دوره ترامپ، قرار گرفتن اتحادیه اروپا در معرض تحریم‌های فرا سرزمینی آمریکا یک چالش بزرگ بود. ترامپ تحریم‌های اقتصادی شدیدی را علیه روسیه، ایران و کوبا در یک چرخش یکجانبه‌گرایانه و تقابلی با سیاست‌های قبلی تغییر مسالمت‌آمیز و مهار چندجانبه را در پیش گرفت. برای افزایش فشار اقتصادی یکجانبه، این تحریم‌ها شرکت‌ها و اشخاص ثالث را از تجارت با کشورهای هدف باز می‌داشت. این سیاست ترامپ که نوع رفتار شرکت‌ها و اتباع اتحادیه اروپا را بدون حتی موافقت آن‌ها محدود می‌کرد، توسعه روابط فرآتلانتیک را با چالش بزرگی مواجه کرد. دامنه فراسرزمینی تحریم‌ها نه تنها بر تجارت اتحادیه اروپا تأثیر می‌گذارد، بلکه استقلال سیاسی و در نهایت حاکمیت اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن را نیز زیر سؤال می‌برد (Stoll et al, 2020: 8). همان‌طور که در جدول شماره یک قابل مشاهده است، در نتیجه خروج ترامپ از برجام و تحریم‌های یکجانبه وی، بسیاری از شرکت‌های اروپایی فعال در ایران مقادیر هنگفتی از درآمد خود را از دست دادند.

تأثیر روابط فرآتلاتنیکی (آمریکا و اروپا) بر مذاکرات هسته‌ای ایران...

نام شرکت	درآمد از دست رفته	پروژه / توضیحات
ایرباس	۱۷ میلیارد یورو	تحویل هواپیماهای جدید در قالب قرارداد با ایران ایر
۱. پی. مولر ماترسک ^۱ (دانمارک)	نامشخص	با از سرگیری تحریم‌ها به سرعت از بازار ایران خارج شد. این شرکت در سال ۲۰۱۰ با جریمه ۳ میلیون یورویی به دلیل دور زدن تحریم‌های آمریکا جریمه شده بود و مصمم بود که عملکرد خود را تکرار نکند.
گروه ا. ایکس. ۲ (فرانسه و آلمان)	۹۷۰۰۰۰ یورو	زبان‌های ناشی از حق بیمه لغو شده در سراسر اروپا و ایران
دایملر ^۳ (آلمان)	نامشخص	سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت خودروساز و نماینده ایرانی ایران خودرو برای تولید کامیون‌های مرسدس بنز در ایران از جمله افتتاح نمایندگی در تهران لغو شد.
گروه ونتورا ^۴ (ایتالیا)	۲ میلیون یورو	پایان پروژه نوسازی راه آهن خارج از تهران
گروه پی. اس. ۵ و رنائولت ^۶ (فرانسه)	۸۵۰ میلیون یورو	قرارداد مشترک برای ساخت ۳۵۰۰۰۰ خودرو در سال لغو شد
کوئیکوس ^۷	۵۵۰ میلیون یورو	تحویل انرژی خورشیدی در نتیجه تحریم‌ها لغو شد
زیمنس ^۸ (آلمان)	بالقوه ده‌ها / صدها میلیون یورو	زیمنس پس از پایان برجام کلیه فعالیت‌های تجاری خود در ایران را متوقف کرد. در سال ۲۰۱۲، زمانی که تحریم‌ها برای اولین بار اعمال شدند، شرکت ۳۴۷ میلیون یورو ضرر کرد، اما پس از لغو تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵، یک بار افزایش درآمد ۲۱۲ میلیون یورویی را تجربه کرد. بنابراین مجموع ضرر پس از سال ۲۰۱۸ می‌تواند بین این دو امتیاز باشد.
تنوا ^۹ (ایتالیا)	۷ میلیون یورو	بر اساس گزارش سالانه شرکت مادر ترینیوم اس‌آی ^{۱۰} ، در سال ۲۰۱۹ حدود ۷,۸ میلیون دلار درآمد از سفارش‌های قبلی در ایران لغو شده است. این احتمال وجود دارد که ضرر این شرکت در حول همین رقم باشد.

1. A.P. Moller-Maersk
2. AXA Group
3. Daimler
4. Gruppo Ventura
5. PSA Group
6. Renault
7. Quercus
8. Siemens
9. Tenova
10. Ternium SA

توتال ^۱ (فرانسه)	۴,۲۵ میلیارد یورو	توسعه میدان گازی بزرگ ایرانی پارس جنوبی
-----------------------------	-------------------	---

Source: (Stoll et al, 2020: 92)

اتحادیه اروپا در راستای خارج نشدن ایران از برجام سعی کرد کانال مالی جدیدی به نام اینستک^۲ ایجاد کند. ایجاد اینستک گام مهمی در حفاظت از کسب و کارهای اتحادیه اروپا و انعطاف پذیرتر کردن اقتصاد اتحادیه اروپا در تسهیل تراکنش‌های تجاری اتحادیه اروپا بوده است که در محدوده تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا قرار دارند. با توجه به تسلط آمریکا در اقتصاد جهانی، اینستک نتوانست انتظارات ایران را برآورده کند (Stoll et al, 2020: 74).

۶. روابط فراآتلانتیکی و مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۱+۴ در دوره بایدن

همان‌طور که ذکر گردید، پیشبرد مذاکرات هسته‌ای ایران در دوره قبل از بایدن به نوع روابط فراآتلانتیکی گره خورده بود. به طوری که با وجود اختلاف‌نظرهای جزئی، سیاست‌های آن‌ها بوده است که روسیه و چین را در اعمال تحریم و یا ثمر رساندن برجام با خود همراه کرده بود. به دلیل مسائل اقتصادی و ژئوپلیتیکی، روسیه و چین قصد منازعه با واشنگتن را نداشتند، اما همواره در تئوری با ابراز مخالفت‌های خود با برخی تحریم‌ها علیه ایران و سخن گفتن از این که فناوری هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از آن حق مسلم ایران است، گرایش خود به ایران را نیز نشان دادند.

در دوره بایدن، در ۱۸ فوریه ۲۰۲۱، «آنتونی بلینکن» وزیر امور خارجه آمریکا با هم‌تایان وزرای خود از فرانسه، آلمان و بریتانیا برای گفتگو درباره ایران دیدار کرد. بیانیه مشترک منتشر شده در آن روز تاکید کرد که اتحادیه اروپا از قصد اعلام شده آمریکا برای بازگشت به دیپلماسی با ایران و همچنین از سرگیری گفتگوی مطمئن و عمیق بین سه کشور اروپایی و آمریکا استقبال کرد. در این زمینه، آمریکا با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل، درخواست ترامپ مبنی بر اعمال مجدد تمامی تحریم‌های لغو شده بر اساس برجام علیه ایران را به طور رسمی لغو کرد (http://www.state.gov, 2021).

«رابرت مالی»، فرستاده ویژه آمریکا در امور ایران، در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۲۱ تکرار کرد که آمریکا همچنان به دنبال برگزاری نشست‌های در هر قالبی که دولت ایران راحت

1. Total
2. INSTEX

باشد است. مالی بیان داشت فشار حداکثری آمریکا شکست خورده است و این کشور می‌خواهد در ازای پایبندی ایران به برجام، «به موضع لغو تحریم‌ها برسد» (<https://www.armscontrol.org>, 2022).

با این نگرش، در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی شش دوره از مذاکرات ایران با گروه ۴+۱ به پایان رسید. در این دوره، در ۶ جولای ۲۰۲۱، وزرای خارجه دولت‌های فرانسه، آلمان و بریتانیا، با نگرانی شدید به آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کردند که تأیید می‌کند ایران گام‌هایی در زمینه تولید فلز اورانیوم غنی‌شده برداشته است. از دیدگاه آن‌ها این نقض جدی تعهدات ایران در چارچوب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است. آن‌ها تأکید کردند که ایران هیچ نیاز غیرنظامی معتبری به تحقیق و توسعه و تولید فلز اورانیوم ندارد که گامی کلیدی در توسعه سلاح هسته‌ای است. همچنین بیان داشتند این گام بیشتر در تشدید نقض‌های هسته‌ای ایران در زمانی که هیچ تاریخی برای ادامه مذاکرات در وین درباره بازگشت به برجام تعیین نشده است، بیشتر نگران‌کننده است. این نیز در شرایطی صورت می‌گیرد که ایران دسترسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از طریق خروج از ترتیبات نظارتی توافق شده برجام و توقف اجرای پروتکل الحاقی به‌طور قابل توجهی محدود کرده است (<https://www.gov.uk>, 2021).

در ۵ آگوست ۲۰۲۱، دولت جدید ایران کار خود را آغاز کرد. رئیسی در سخنرانی تحلیف خود متعهد شد که «تعامل هوشمندانه» را با ۴+۱ و آمریکا به منظور لغو تحریم‌ها علیه ایران دنبال کند. اما در ۳۱ سپتامبر ایران زمان دو سه ماهه خواست و به دلایل مختلف مذاکرات از سر گرفته نشد (<https://www.al-monitor.com>, 2021).

«رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کرد که اگرچه مذاکرات در تهران «سازنده» بود، اما در حل و فصل اختلاف بین آژانس و ایران بر سر دسترسی به تأسیسات ساخت قطعات سانتریفیوژ کرج «بی‌نتیجه» بود (<https://www.iaea.org>, 2022). با وجود تمام فرازونشیب‌ها، در اواخر نوامبر دور هفتم مذاکرات پنج ماه پس از دور ششم شروع شد. اگرچه ایران در این مذاکرات خواستار تغییرات اساسی در متن شد، اما دیدگاه چندجانبه‌گرایی فرآتلانتیک تغییر پیدا نکرد (<https://www.armscontrol.org>, 2022).

در فوریه ۲۰۲۲ دولت بایدن معافیت‌هایی را بازگرداند که به شرکت‌های روسی، چینی و اروپایی اجازه می‌دهد با برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران بدون مجازات تحریم‌های آمریکا همکاری کنند. با این حال، وزیر امور خارجه ایران، با استقبال از آن عنوان کرد که این نیت خیر آمریکایی‌ها را نشان می‌دهد، با این وجود این اقدامات کافی نیستند (<https://apnews.com>, 2022).

اگر چه دولت بایدن در رسیدن به توافق با ایران مخالفان سرسختی در مجلس سنا دارد (نمایندگان حزب جمهوری‌خواه) و حتی تاکید کردند که با وجود توافق، دو سوم نمایندگان سنا باید آن را تایید کنند (<https://www.cruz.senate.gov>, 2022)، با این وجود، «ند پرایس»، در اواخر فوریه عنوان کرد که آمریکا و شرکای آن به یک توافق احتمالی با ایران بر سر برنامه هسته‌ای نزدیک شده‌اند، اما از مسائل بسیار دشوار مانند پیشرفت‌های هسته‌ای ایران در پی از بین رفتن توافق که مذاکرات بر سر آن است، نام می‌برد (<https://www.state.gov>, 2022).

روند تحولات نشان می‌دهد که روابط فرآتلانتیکی با سیاست همسو و مبتنی بر چندجانبه‌گرایی در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران، به توافق در دوره روحانی و رئیسی بسیار نزدیک شده بودند، با این حال، در اوایل مارس «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه، در اقدامی که برخی نگران آن هستند که ماه‌ها مذاکرات در وین را خراب کند، مذاکرات هسته‌ای ایران را به تحریم‌هایی که روسیه بر اثر جنگ اوکراین متحمل شده بود، ارتباط داد. به طوری که خواستار عدم تاثیر تحریم‌های غرب بر تجارت و همکاری مسکو با تهران شد. در واکنش به این موضوع، مقامات ایرانی از مداخله روسیه انتقاد کردند و گفتند: «روس‌ها این خواسته را دو روز پیش در مذاکرات وین روی میز گذاشتند» (<https://www.theguardian.com>, 2022). با توجه به تحولات می‌توان گفت که روابط فرآتلانتیک که در رسیدن به توافق با ایران بسیار مصر هستند، در نهایت نتیجه خواهد داد. اما این امر بستگی به خود ایران دارد که تا چه اندازه به روسیه اجازه دخالت در فرایند مذاکرات را خواهد داد. زیرا روسیه با وجود تحریم‌هایی که با آن مواجه شده است، حتی قدرت خود در مذاکرات هسته‌ای ایران را نیز از دست داده است.

نتیجه‌گیری

روابط فرآتلانتیک طی دو دهه اخیر که مسأله هسته‌ای ایران مطرح شده است، نسبت به نقش چین و روسیه در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای بسیار تاثیرگذارتر بوده است. به طوری که در

اعمال تحریم در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ و انجام مذاکرات که به برجا منتهی شد، نقش اول را ایفا کردند. در این دوران روابط فراآتلانتیک در قبال ایران همسو و مبتنی بر چندجانبه‌گرایی بوده است. در این دوران روسیه و چین نیز با وجود ابراز مخالفت‌ها در تئوری همواره از سیاست‌های فراآتلانتیک پیروی کرده‌اند.

با خروج ترامپ از برجام و سیاست‌های اقتصادی و سیاسی - امنیتی ترامپ باعث شد تا شکاف بزرگی در روابط فراآتلانتیکی ایجاد شود. این شکاف باعث شد تا اتحادیه اروپا با خروج ترامپ از برجام مخالفت کند و تلاش خود را برای حفظ آن با وجود مثمر ثمر بودن آن انجام دهد. تسلط آمریکا بر اقتصاد جهانی و مکانیسم دفاعی ناتو باعث شده بود تا اتحادیه اروپا به ناچار از تحریم‌های یکجانبه آمریکا پیروی نماید. با به قدرت رسیدن بایدن و بازگشت به اصل چندجانبه‌گرایی که هویت اصلی فراآتلانتیک پس از جنگ جهانی دوم بوده است، دوباره دیپلماسی را بهترین ابزار برای احیای برجام معرفی کرده‌اند. در این دوره، مذاکرات در دوره روحانی و رئیسی تقریباً نتیجه‌بخش بود و اکثر موضوعات بین طرفین حل‌وفص شده بود. اگرچه روسیه در اواخر مذاکرات تحریم‌های روسیه ناشی از جنگ اوکراین را به مذاکرات هسته‌ای ارتباط داد و بیان داشت که تحریم‌ها نباید مانع روابط تجاری و... روسیه و ایران شود، با این حال، با مخالفت مقامات ایرانی با این موضوع و عدم تمایل آمریکا و اتحادیه اروپا به این موضوع، احتمال بسیار زیادی وجود دارد که برجام احیا گردد. زیرا زمانی که روابط فراآتلانتیک همسو بوده است، همواره سیاست‌های موفق و نتیجه‌بخشی در برابر مذاکرات هسته‌ای گرفتند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۱۱)، صص ۲۶۷-۲۳۱.
- آقایی، سید داود و رسولی، الهام (۱۳۸۸)، «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، تهران: فصلنامه سیاست، ۳۹ (۱)، صص ۱۶-۱.
- باقری دولت‌آبادی، علی و شفیعی سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۷)، از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازهانگاری، چاپ سوم، تهران: نشر تیسرا.

- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (۱۳۹۹)، بررسی فقهی حرمت استفاده از سلاح اتمی، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=47431>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- رستمی، فرزاد؛ احمدیان، قدرت و کریمی، حمیدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر مناسبات راهبردی اتحادیه اروپا و آمریکا در پرتو توافق هسته‌ای ایران (سناریوهای پیش‌رو)»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸ (۲۸)، صص ۲۶۵-۲۳۹.
- صباغیان، علی و احمدیگی، مهدی (۱۳۹۶)، «روابط فرآتلانتیکی در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵»، فصلنامه روابط خارجی، ۹ (۲)، صص ۱۳۴-۱۰۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.

ب) منابع انگلیسی

- Alcaro, R. (2011), "Learning from a Troubled Experience—Transatlantic lessons from the Nuclear Standoff with Iran". **The International Spectator**, 46(4), 115-136.
- Al-monitor (2021), "Iran Warns US against Wasting time in Nuclear Talks", Available at: <https://www.al-monitor.com/originals/2021/08/iran-warns-us-against-wasting-time-nuclear-talks>
- Apnews (2022), "Iran Welcomes US Sanctions Relief but Says it's too little", Available at: <https://apnews.com/article/middle-east-iran-iran-nuclear-antony-blinken-tehran-0976d6b345d58c948bd5d4c1b8c2e938>
- Bedard. B. (2022), "Timeline of Nuclear Diplomacy with Iran", Available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/Timeline-of-Nuclear-Diplomacy-With-Iran>
- Blockmans, S. (2021), "EU-US Relations: Reinventing the Transatlantic Agenda", **Intereconomics**, 56(1), 5-7.
- Bown, C. Russ, K. (2021), "Biden and Europe Remove Trump's Steel and Aluminum Tariffs, but it's not Free Trade", Available at: <https://www.piie.com/blogs/trade-and-investment-policy-watch/biden-and-europe-remove-trumps-steel-and-aluminum-tariffs>
- Checkel, J. T. (1997), "International Norms and Domestic Politics: Bridging the rationalist—Constructivist Divide", **European Journal of International Relations**, 3(4), 473-495.

- Congressional Research Service (2021), "U.S.-EU Trade and Economic Relations", Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10931>
- Cronberg, T. (2017), "No EU, No Iran Deal: the EU's Choice between Multilateralism and the Transatlantic link", **The Nonproliferation Review**, 24(3-4), 243-259.
- Davis, Marybeth, et al. (2012), **China-Iran: A limited Partnership**. US-China Economic and Security Review Commission.
- Dw (2019), "US Imposes Record \$7.5 Billion Tariffs on European Goods", Available at: <https://www.dw.com/en/us-imposes-record-75-billion-tariffs-on-european-goods/a-50880622>
- Einhorn, R. J. (2004), "A transatlantic Strategy on Iran's Nuclear Program", **Washington Quarterly**, 27(4), 21-32.
- Erästö, T. (2011), "Transatlantic Diplomacy in the Iranian Nuclear Issue—Helping to Build Trust? ", **European Security**, 20(3), 405-430.
- European Commission (2022 a), "United States: EU Trade Relations with the United States. Facts, figures and latest Developments", Available at: https://policy.trade.ec.europa.eu/eu-trade-relationships-country-and-region/countries-and-regions/united-states_en
- European Commission (2022 b), "Main EU Trade Partners for Services in 2020: USA and UK", Available at: <https://ec.europa.eu/eurostat/web/products-eurostat-news/-/ddn-20220131-2>
- Gang, D. (2021), "If US Wants to Prosecute Huawei Again, it will face China's Countermeasure", Available at: <https://www.globaltimes.cn/page/202109/1235429.shtml>
- Garver, J. W. (2011 a), "Is China Playing a Dual Game in Iran? ", **Washington Quarterly**, 34(1), 75-88.
- Garver, J. W. (2011 b), **China and Iran: Ancient Partners in a post-imperial World**, University of Washington Press.
- gov.uk (2021), "IAEA Report on Iran Producing Enriched Uranium Metal: E3 Statement", Available at: <https://www.gov.uk/government/news/iaea-report-on-iran-producing-enriched-uranium-metal-e3-statement>
- Grajewski, N. (2022), "An Illusory Entente: The Myth of a Russia-China-Iran Axis", **Asian Affairs**, 53(1), 164-183.
- Gros, J. G., & Fung, H. G. (2019), "Theorizing Sino-African Relations: A Constructivist Perspective", **Journal of International Relations and Foreign Policy**, 7(1), 39-54.

- Harnisch, S. (2007), "Minilateral Cooperation and Transatlantic Coalition-building: the E3/EU-3 Iran Initiative", **European Security**, 16(1), 1-27.
- Harnisch, S. (2019), **Preventing Crisis Militarization: the European Union, the United States and the Iranian Nuclear Program**, the Politics of Resilience and Transatlantic Order Enduring Crisis.
- HOOPER (2021), "Blinken on Iran Nuclear Deal: 'We Still Believe Diplomacy is the Best Path forward'", Available at: <https://www.politico.com/news/2021/10/31/blinken-iran-nuclear-deal-diplomacy-517992>
- Iaea (2022), "Press Conference, 28 April 2022", Available at: <https://www.iaea.org/press/press-conferences>
- Karimifard, H. (2012), "Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", **Asian Social Science**, 8(2), 239.
- Knoema (2022), "Is NATO the Financial Burden of the US?" Available at: <https://knoema.com/infographics/larytbg/is-nato-the-financial-burden-of-the-us>
- LEE, M. (2022), "US Grants Sanctions Relief to Iran as Nuke Talks in Balance", Available at: <https://apnews.com/article/middle-east-iran-donald-trump-iran-nuclear-antony-blinken-d27d88cbff7e61ef18c11bfd68d2a60a>
- Lohmann, S. (2013), **Unilaterale US-Sanktionen Gegen Iran**, Hohe Hürden für Erleichterungen.
- Lohmann, S. (2016), "The Convergence of Transatlantic Sanction Policy against Iran", **Cambridge Review of International Affairs**, 29(3), 930-951.
- Matera, P., & Matera, R. (2019), "Why does Cooperation Work or Fail? The case of EU-US Sanction Policy against Iran", **Croatian International Relations Review**, 25(85), 29-62.
- Mousavian, S. H. (2012), **The Iranian Nuclear Crisis: a Memoir**, Brookings Institution Press.
- Obama whitehouse (2018), "the Historic deal that will Prevent Iran from acquiring a Nuclear Weapon", Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/issues/foreign-policy/iran-deal>
- Parker, J. W. (2012), **Russia and the Iranian Nuclear Program: Replay or Breakthrough?**, Washington, DC: National Defense University Press.
- Perkovich, G. (2005), **Toward Transatlantic Cooperation in Meeting the Iranian Nuclear Challenge**, IFRI.

- Pieper, M. A. (2014), "Chinese, Russian, and Turkish policies in the Iranian Nuclear Dossier: between Resistance to Hegemony and Hegemonic Accommodation", **Asian Journal of Peacebuilding**, 2(1), 17-36.
- Pothier, F. Vershbow, A. (2017), **NATO and Trump: the Case for a New Transatlantic Bargain**, the Atlantic Council.
- Schiffer, E. (2017), **Transatlantic Convergence**, Divergence and Drift: A Discourse analysis of the Iranian Nuclear Weapons Program and its Effects on Transatlantic Relations.
- Schwammenthal, D. (2018), "Europe, the US and the Iran deal: The need to Resolve Transatlantic Disagreements", **European View**, 17(2), 218-226.
- Speakman, K. (2021), "U.S. Strikes Deal With EU To Relax Trump-Era Steel And Aluminum Tariffs", Available at: <https://www.forbes.com/sites/kimberleespeakman/2021/10/30/us-makes-deal-to-relax-trump-era-steel-and-aluminum-tariffs-on-eu/?sh=36a13a05a74e>
- State.gov (2021), "Joint Statement by the Secretary of State of the United States of America and the Foreign Ministers of France, Germany, and the United Kingdom", Available at: <https://www.state.gov/joint-statement-by-the-secretary-of-state-of-the-united-states-of-america-and-the-foreign-ministers-of-france-germany-the-united-kingdom/>
- State.gov (2022), "Department Press Briefing" – February 23, 2022, Available at: <https://www.state.gov/briefings/departments-press-briefing-february-23-2022/>
- Stoll, T., et al. (2020), **Extraterritorial Sanctions on Trade and Investment and European Response**, Study Requested by the INTA Committee of the European Parliament, PE653, 618.
- Theguardian (2022), "Iran Nuclear talks Rocked by Russian Demand for Sanctions Exemption", Available at: <https://www.theguardian.com/world/2022/mar/06/iran-nuclear-talks-rocked-by-russian-demand-for-sanctions-exemption>
- Trump white house (2018), "President Donald J. Trump is Ending United States Participation in an Unacceptable Iran Deal", Available at: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/briefings-statements/president-donald-j-trump-ending-united-states-participation-unacceptable-iran-deal/>
- Wendt, A. (1999), **Social Theory of International Politics**, Cambridge University Press.

Wicaksana, I. W., & Wahyu, G. (2009), "The Constructivist Approach towards Foreign Policy analysis", **Indonesian Journal of Social Sciences**, 1(1), 1-17.